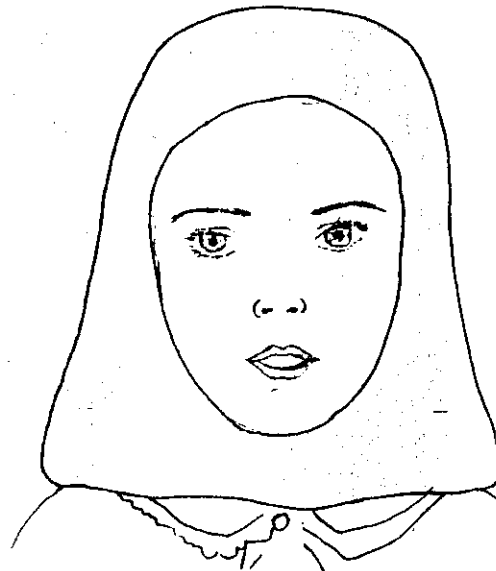
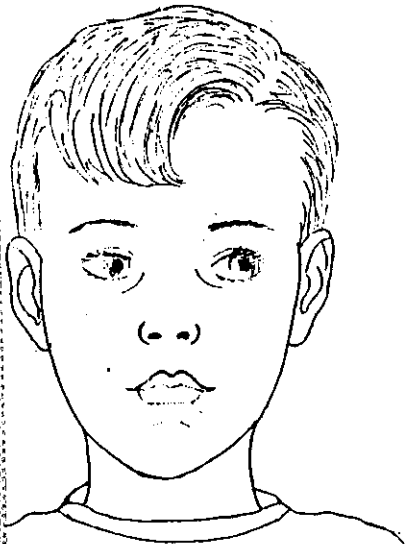


تفاوت‌های فردی

در

نقاشی کودکان

طاهره محمدی



مقدمه

نهان، خلاقیتها، رغبتها دارند. بنابراین هنر کودک را باید از دیدگاه خود او و اندیشه و تصویری که از زیبایی دارد و بر حسب هر مرحله‌ای از رشد او، ارزیابی کرد.

اگر بدین مطلب معتقد باشیم که نقاشی کودکان، آئینه تمام‌نمای شخصیت آنان است، باید بدانیم که هر عامل خارجی بر روی رفتار و پندار کودکان تأثیر می‌گذارد. آنها به راحتی وقایع پیرامون خود را کسب و بعد از درونی کردن آنها، در مقابل از خود یکسری واکنشهایی نشان می‌دهند که این واکنشها به صور مختلف متجلی می‌شوند. یکی از این تجلیات، تصاویری هستند که کودک به دلخواه و بدون هیچگونه تحمیلی از سوی دیگران می‌کشد و در آن به‌طور ناخودآگاه تمام یا قسمتی از محفوظات ذهنی خود را بیان می‌کند. در حقیقت باید گفت نقاشی، زبان گویای تصورات کودک از پیرامون خود اوست.

در این مقاله حتی الامکان سعی شده است تا مسائلی که کودکان از محیط و اجتماع پیرامون خود کسب کرده و از طریق نقاشی ابراز می‌کنند، شناخته شود تا معلوم گردد زندگی اجتماعی و محیط، چه تأثیری بر ذهن آنان به جای می‌گذارد.

ایده کلی در این تحقیق، تحلیل محتوای نقاشی کودکان است و هدف آن پی بردن به دنیای درون کودکان که متأثر از دنیای بیرون و پیرامون آنها می‌باشد از طریق نقاشیهایشان است. کودک در هر مقطع سنی به نوعی به نقاشی می‌پردازد و از این راه احساسات و عواطف خود را بیان می‌کند. او دنیای درون خود و جهان خارج را به هم آمیخته و از ترکیب آنها نقاشیهای گوناگون می‌آفریند و به این ترتیب است که کودک به خلق هنر می‌پردازد. هنر آفرینی کودک نظیر آنچه که هنرمندان بزرگسالان به‌عنوان آثار هنری خلق می‌کنند نیست، بلکه کودک هنر را وسیله‌ای برای بیان عواطف و احساسات خود برمی‌گزیند زیرا که زبان ترسیم، زبان بیان حالات درونی است و آن هنگام که نیاز به بیان و جلوه‌گر ساختن باشد آن را به وسیله ترسیم در هر مکان و فضای ممکن (روی زمین، دیوار، شیشه بخار گرفته و...) نشان می‌دهد. همانطوری که می‌دانیم، کودکان از طبیعتی جویا و تأثیرپذیر برخوردارند و در پس این خطوط و رنگها، دنیایی وسیع و پر جوش و خروش و مملو از امال، آرزوها، خواستها، تمایلات آشکار و

تاریخچه توجه به نقاشی کودکان در جهان و ایران:

اولین مطالعات بر روی نقاشی کودکان توسط روانشناسان در آغاز قرن بیستم صورت گرفته و قبل از این تاریخ کوشش محققین فقط معطوف به آثار کودکان و نوجوانانی می شد که به سبک بزرگسالان نقاشی می کردند و می کوشیدند هنر بزرگسالان را تقلید کنند. متأسفانه مدرکی که بتواند توجه به نقاشی کودکان را قبل از قرن بیستم گواهی کند، در دست نیست.

مهمترین عامل توجه به نقاشی کودکان، تکامل علم روانکاوی است که برای تجزیه و تحلیل نقاشی های کودکان اطلاعات کافی ارائه نموده و نقاشی را یکی از طرق شناخت کودک معرفی کرده است. روانکاوان از طریق نقاشی به مشکلات (حسی - حرکتی، عاطفی، شناختی و...) کودکان و علل ناسازگاری آنها پی برده و پس از تجزیه و تحلیل این مشکلات به درمان آنها می پردازند.^۱

یونسکو نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام داده است. کارشناسان این مرکز در سال ۱۹۶۰ برای دو گروه سنی (۱۰ تا ۱۴ سال و ۱۴ تا ۱۷ سال) دو داستان متفاوت تعیین و برای کودکان یازده کشور ارسال نمودند و از آنها خواستند تا نقاشی هایی در ارتباط با موضوع ترسیم و برای این مرکز بفرستند. پس از جمع آوری نقاشیها و بررسی آنها، معلوم شد که نقاشیها از لحاظ انتخاب رنگ برای مناظر، قیافه و رنگ پوست و فرم لباسهای افراد و قهرمانان داستان، شکل و فرم ساختمانها و خیابانها، نوع درختان و گیاهان و اقلیم و بطور کلی در رابطه با نوع اقلیم، نوع آداب و رسوم، فرهنگ و نظایر اینها با یکدیگر فرق دارند و این بیانگر برداشت متفاوت کودکان از محیط اطراف و اجتماعاتشان است.^۲

در ایران متأسفانه تاکنون پژوهشهای شایان توجهی در این زمینه صورت نگرفته و اگر هم

تحقیقاتی انجام شده باشد، نتایج آن در دسترس نیست. (به خصوص از ابعاد جامعه شناسی) البته از نقاشی برای روان درمانی بیماران استفاده می شود که ادامه کار و نتایج بدست آمده توسط دانشمندان اروپایی و دیگران است.

گروهی از دانشجویان رشته روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی از چند سال پیش به بررسی نقاشیهای کودکان از ابعاد مختلف نظیر: روانشناسی، فلسفه، زیبایی شناسی، زیست شناسی، ریاضیات، اخلاق و... پرداخته اند. و بر روی پانزده هزار نقاشی از کودکان اکثریت اقشار و طبقات مختلف و اقلیتهای مذهبی، کودکان استثنایی، کرولال و... در سطح کشور مشغول کار هستند.

کودکان چرا نقاشی می کنند و انگیزه آنها در نقاشی چیست؟^۳

در این مورد نظرات متفاوتی از طرف روانشناسان مختلف با توجه به دیدگاههایی که دارند، ارائه شده است.

گروهی معتقدند نقاشی امری غریزی است و کودک از روی غریزه نقاشی می کند. با توجه به مفهوم غریزه، در انسان برخلاف سایر موجودات، رفتارهای غریزی بسیار محدودند، به علاوه چنان تحت تأثیر محیط و تربیت قرار می گیرند که جنبه غریزی خود را از دست می دهند. از این رو نمی توان گفت که نقاشی امری غریزی است.

برخی دیگر از روانشناسان نقاشی کودکان را نوعی تقلید از بزرگسالان می دانند. درست است که کودک بسیاری از تجربیات خود مانند یادگیری زبان و تکلم را از راه تقلید فرا می گیرد، اما نقاشی صرفاً یک عمل تقلیدی نیست و اصولاً نحوه نقاشی کودکان با بزرگسالان متفاوت است. دیدگاه دیگر، نقاشی را نوعی بازی و سرگرمی برای کودک می داند. بدون شک بازی به عنوان یک انگیزه

در پرورش کودکان نقاشی اساسی دارد و از همان اهمیت و ضرورتی که کار برای بزرگسالان دارد، برخوردار است. اگرچه نقاشی برای کودک جنبه بازی دارد اما باید دید چرا کودک به این بازی می پردازد.

دیدگاههای جدید روانشناسی، نقاشی را برای کودک یک نیاز و ضرورت روانی می دانند که به وسیله آن، آنچه را که در درون خود دارد بیان می کند، با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می سازد و خواستهها و نیازهای خود را با واقعیتها و با جهان تطبیق می دهد و به عنوان یک بیان تمثیلی نقاشی مکمل بیان کلامی یعنی زبان و تکلم است. نقاشی طبیعی ترین و ابتدایی ترین وسیله بیان کودک است، از این رو اگر ما با ایجاد موانعی راه این بیان طبیعی و آزاد را سد نسازیم همه کودکان نقاشی را دوست دارند و به عنوان فعالیتی دلپذیر به انجام آن می پردازند.

تحقیقی در زمینه این که چرا کودکان نقاشی می کنند، در مورد کودکان ۵-۶ ساله یک کلاس آمادگی انجام شده و این موضوع به دو صورت مورد بررسی قرار گرفته است، یکی از طریق سؤال مستقیم از کودکان و دیگری بررسی محتوای نقاشی آنان. در پاسخ به سؤال، اکثر آ گفته اند برای این که نقاشی را دوست داریم و از آن خوشمان می آید و یا برای این که مری و یا والدین از آنها خواسته اند. در کل از بررسی محتوای نقاشی کودکان می توان چنین استنباط کرد که اکثر نقاشیها بازگوکننده خواستههای کودکان بوده و این نظر را تأیید می کنند که نقاشی از نیاز درونی و روانی کودک سرچشمه می گیرد.

تفاوتهای فردی، محیط کودک، نقاشی: اگر بخواهیم موجودات انسانی را طبقه بندی کنیم، واضح است که آنها را به دو دسته زن و مرد تقسیم بندی می کنیم و این طبقه بندی از زمانی که انسان به صورت زنی است که با چشم غیر مسلح قابل دیدن نیست،

وجود دارد و هر فرد (به استثنای موارد غیر عادی) به یکی از این دو جنس تعلق دارد و این مسئله به عنوان ثابت ترین عنصر شخصیت فرد متجلی می شود.

اختلاف عمده موجود بین افراد در نتیجه دو عامل مهم «وراثت» و «محیط» است. عامل وراثت مربوط به ژن‌ها و بررسی آن با علم ژنتیک است و در اینجا، بیان آن ضرورتی ندارد.

دومین عامل، یعنی محیط به دو قسمت تقسیم می شود: محیط قبل از تولد، (شامل زندگی جنینی کودک) محیط بعد از تولد (شامل خانه، مدرسه و...)

همانطوری که می دانیم، اثرات محیطی و محرکات خارجی، مانند خصوصیات وراثتی بر روی کنشها و واکنشهای کودک تأثیر به سزایی دارد و آمیختگی های خانواده (که سازنده محیط طبیعی کودک است) نقش اساسی در رشد اجتماعی فرد دارد و کودک در این دو کانون در کنار بزرگسالان قرار می گیرد و رفتار و حرکات آنها سرچشمه مداوم محرکات و انگیزه های تازه برای کودک است و کودک از بدو تولد از فضایی که والدین در آن زندگی می کنند حالت های روحی و رفتاری آنها را جذب و تقلید می کند.

به همین دلیل کیفیت محاوره و سبک زندگی و نحوه ارتباط اعضای خانواده و یا مدرسه اهمیت زیادی دارد. افکار و روحیات والدین و معلمان و نیز پرخاشگری، ترس، اعتماد یا بی اعتمادی و یا آرامش خاطر آنها نسبت به دیگران، اثرات فراوانی در مغز کودکان به جا می گذارد و اینگونه وقایع (در خانه یا مدرسه) توسط کودک جذب و درونی شده و در موقعیتهای خاص و مشابه در رفتار کودک ظاهر می شود و یکی از این تجلیات از طریق نقاشیهای کودک است که سرشار از پیامهایی برای کسانی است که آنها را تشریح می کنند. از دیگر اثرات خارجی (محیطی) می توان از مکان و فضای زندگی کودک نظیر اتاقهای

آپارتمان، دیوار منزل، بالکن، حیاط، خانه های با سبک جدید یا معماری قدیم، نحوه و میزان استفاده از اماکن عمومی و تفریحگاهها، زندگی در شهرهای بزرگ و پرجمعیت یا زندگی در شهرهای کوچک و کم جمعیت و حتی زندگی در روستاها و... نام برد که همگی بر روی درک کودک نقش سازنده ای دارند.

بطور کلی اگر در زندگی کودکان زمینه مساعد برای پرورش و تخیلات آنها وجود نداشته باشد. اصولاً خلاقیت های آنها ابتدایی مانده و رشد چشم گیری نخواهند داشت (نظیر کودکانی که در پرورشگاهها و پانسیونهای مخصوص کودکان بدون والدین، بزرگ می شوند). در این میان، محیط خانه محلی برای ارضای نیازهای ابتدایی کودک و پرورش استعدادها و خلاقیتها و تخیلات او است و به کودک کمک می کند تا خود و افکارش را سازمان دهد و موقعیت خود را از لحاظ جنسیت با انجام اولین تجارب اجتماعی و احساسی بشناسد.^۵ کودک اکتسابات از محیط و تجارب خود را از طریق نقاشی به نمایش می گذارد.

تأثیر محیط در نقاشی های کودکان.
طرح مسئله و نوع تحقیق:

«کودکان هر اجتماع با روحیات، فرهنگ و وابستگی های اجتماعی خود، سوزده های نقاشی خود را انتخاب و ترسیم می کنند.» (آیا نقاشی کودکان منعکس کننده برداشتهای کودکان از دنیای اطراف آنان است).

حال برای این که مسئله را مشخص و محدود کنیم، می توانیم آن را به سئوالات جزئی تری تبدیل کنیم و حتی الامکان به آنها پاسخ بدهیم:

— آیا سن و جنس کودک در انتخاب

موضوع نقاشی تأثیر دارد؟
— آیا نقاشی کودکان منعکس کننده رشد اجتماعی آنها است؟

— آیا انقلاب، تغییری در انتخاب سوزده های نقاشی کودکان ایجاد کرده است (از لحاظ ترسیم سوزده های نظیر: زنان محجبه، تظاهرات مردمی، مسجد و...)?

— آیا جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی در انتخاب موضوعات جنگی مؤثر است؟

— آیا نقاشی کودکان بیانگر ترس یا امنیت خاطر آنها است؟

— آیا شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر روی انتخاب سوزده و نحوه رنگ آمیزی آن مؤثر است؟

— آیا نقاشی کودکان منعکس کننده آرزوهای شغلی آنها است؟ و...

این تحقیق به روش تحلیل محتوا انجام شده و اساس کار مبتنی بر نقاشیهای بدست آمده از کودکان است و قلمرو کار نیز استفاده از یکسری اطلاعات تصویری است که به واسطه آثار به جا مانده از کودکان، بتوان به واقعیات اجتماعی و تأثیر آنها بر کودکان پی برد.

در این تحلیل، واحدهای مورد بررسی، سوزده ها و موضوعات نقاشی شده کودکان است و مقولات آنها نیز کلبه، ماشین، قطار، مسلسل، توپ جنگی، هواپیما، اتوبوس، کامیون، آپارتمان، زنان، بازی کودکان و نظایر اینها هستند که این مقولات با یکدیگر در ارتباطند و نیز ارتباط مستقیم و منسجمی با روحیات خود ترسیم کننده دارند.

حال اگر این مقولات را طبقه بندی کنیم و هر موضوع را در داخل یک طبقه خاص قرار دهیم. بدین صورت خواهد شد:

— جنگ: شامل سلاحهای جنگی، انواع جنگها، سربازها، هواپیما جنگی و...

— وسائط نقلیه: شامل ماشین، اتوبوس، هواپیما، قطار و...

— تصویر انسانها: شامل زن، مرد، کودک،

پسر، دختر و...

— خیابان: شامل ماشین، چراغ راهنما، ایستگاه اتوبوس و...

— بناها: شامل کلیه‌ها، آپارتمانها، مساجد

و...

— حجاب: شامل زنان با حجاب و بی حجاب.

— بازی: شامل بازیهای انفرادی و گروهی.

— طبیعت: شامل خورشید، کوه، دریا،

جنگل و...

این طبقه‌بندی از بررسی ۷۵۲ نقاشی

(۳۰۱ نقاشی توسط دخترچهارها و ۴۵۱ نقاشی

توسط پسرچهارها) که در سال تحصیلی

۶۸-۱۳۶۷ توسط کودکان سنین (۱۲ تا ۲) ساله

ترسیم شده و آثار خود را به مرکز و یا اداره‌ای

نظیر: مجله رشد کودکان و نوجوانان، برنامه

کودک شبکه یک و دو سازمان صدا و سیمای

جمهوری اسلامی ایران، مهدکودک، مدارس و

نظایر اینها ارسال کرده‌اند انجام گرفته است.

در بررسی مقدماتی نقاشیها، ابتدا برای

تک تک آنها شناسنامه‌ای تهیه شده و

مشخصات هر نقاشی در آن ذکر گردیده است

(نمونه‌ای از این شناسنامه که حکم پرسشنامه

را دارد در قسمت جداول و ضمایم آورده شده

است) و سپس بر اساس سن و جنس و محل

ارسال و نوع سوژه از هم تفکیک و طبقه‌بندی

شده و در آخر تعداد فراوانی هر قسمت

شمارش و توزیع درصدی آنها محاسبه شده و

بر اساس این درصدها، نتایج بدست آمده و

فرضیه‌های مطرح شده رد یا قبول گردیده

است.

لازم به ذکر است که تقسیم‌بندی گروههای

سنی ترسیم‌کننده‌ها بر اساس تقسیم‌بندی سنین

در کتاب «آموزش هنر» صورت گرفته است.

یعنی کودکان به چهار گروه سنی: (۲ تا ۴)

سال، (۴ تا ۷) سال، (۷ تا ۹) سال و (۹ تا ۱۲)

سال تقسیم شده و به دلیل اینکه در اکثر موارد

در گروه سنی (۲ تا ۴) سال تعداد نقاشیها کم

بوده، نقاشیهای آنها در محاسبه منظور نشده

است. البته همانطوری که می‌دانیم، بهترین

تقسیم‌بندی سنی همانا قرار دادن کودکان در

گروه سنی یک سال به یک سال است. زیرا

کودک ۴ ساله با کودک ۶ ساله از لحاظ

جسمی و روانی متفاوت است. ولی به دلیل کم

بودن نقاشیها به انجام چنین تفکیک سنی اقدام

شده و این مسئله ناشی از عدم همکاری بعضی

از مراکز و سازمانها (با داشتن نقاشی آزاد از

کودکان) بوده است.

نتایج این بررسی و تحقیق به صورت پنج

مقاله با هفت فرضیه تهیه شده است. این

مقالات تحت عناوین:

— تصویر جنگ در نقاشی کودکان.

— تصویر انقلاب در نقاشی کودکان.

— تصویر بازیهای کودکان در نقاشی

کودکان.

— تصویر امنیت در نقاشی کودکان.

— تفاوت‌های جنسی در نقاشی کودکان.

تصویر جنگ در نقاشی کودکان

ذهن کودک نظیر یک دستگاه (ماشین،

کامپیوتر) است که وقایع و رویدادهای پیرامون

را کسب و ضبط کرده و پس از درونی کردن

مسائل، آنها را به صورتهای مختلف منعکس

می‌کند. در این میان جنگ به عنوان

هیجان‌انگیزترین پدیده اجتماعی — محیطی و

در عین حال مخرب، تأثیر به‌سزایی بر روی

ذهن و افکار و باورهای کودک دارد.

آشنایی کودک با پدیده جنگ اگر به

صورت مشاهده مستقیم (اقسامت کودک در

مناطق جنگی و یا بمباران مناطق مسکونی)

نباشد، اکثراً از طریق مشاهده فیلمهای جنگی

از تلویزیون و سینما و یا کارتونهای تلویزیونی

است و بر همین اساس جنگ را یک پیکار

مسلحانه و خونین میان دو یا چند نفر و یا چند

گروه می‌داند.

نگرش کودک بر جنگ برخلاف نگرش

بزرگسالان، به دور از مسائل سیاسی و

ایدئولوژیکی است و آن را یک نزاع گذرا و

موقتی می‌داند و اگر صحبت و یا عکس‌العملی

از خود نشان می‌دهد، بیشتر در اثر گفتار و

کردار بزرگسالان است بدین معنا که فضای

محیطی‌اش بر روی رفتارهای او حاکم است.

اگر بازیهای گروهی کودکان را بنگریم،

خواهید دید که نخست دو گروه شده و هر کدام

در پشت موضعی سنگر می‌گیرند و با وسیله‌ای

با یکدیگر می‌جنگند و عده‌ای نیز در این جنگ

تصنیعی کشته می‌شوند. ولی بعد از اتمام بازی

دوباره کشته‌شدگان زنده می‌شوند و به

فعالتهای دیگر می‌پردازند.

کودکان (به ویژه در سنین پائین‌تر) از

جنگ و کشته شدن در جنگ، مفهومی جز این

در ذهن خود ندارند و اکثراً خود را در قالب

قهرمانان فیلمها و داستانها می‌بینند که هرگز در

جنگها کشته نمی‌شوند و در همه حال بر دشمن

خود غلبه می‌کنند. اما با افزایش سن و درک

بیشتر مسائل پیرامون خود و افزایش مفاهیم

ذهنی در ذهن کودک، به تدریج مفهوم جنگ در

تزد کودکان تغییر یافته و با مفهوم آن در نزد

بزرگسالان مطابقت می‌کند.

از بررسی نقاشی‌های بدست آمده از

کودکان، سوژه جنگ رتبه چهارم را به لحاظ

فراوانی کسب کرده است و این بیانگر توجه

کودکان به این پدیده اجتماعی است.

در این نقاشی‌ها، کودکان به صور گوناگون

سوژه‌های جنگی را ترسیم کرده‌اند، از جمله:

— جنگهای زمینی شامل: جنگهای زمین به

زمین، زمین به هوا، زمین به دریا، سربازان در

حال جنگ و...

— جنگهای هوایی شامل: جنگهای هوا به

هوا، هوا به دریا، فانتومهای جنگی، چتربازان

و...

— جنگهای دریایی شامل: جنگهای دریا به

دریا، ناو و...

— بمباران هوایی.

— مسایل دیگر جنگی نظیر سلاحهای

جنگی، سربازان، کامیونهای ارتش و...

فرضیه ۱: «بین افزایش سن و میزان (فراوانی) انتخاب سوزه‌های جنگ رابطه وجود دارد». از آنجایی که جنگ یک پدیده اجتماعی است، توجه به آن (به صورت نقاشی) تا بهی از درجه اجتماعی شدن کودک است و همانطوری که یک رویداد اجتماعی می‌تواند مورد توجه یک کودک (۲ تا ۴) ساله قرار بگیرد، می‌تواند ذهن یک بزرگسال را کاملاً به خود معطوف سازد.

در این میان جنگ به عنوان یک بحران اجتماعی، از این قاعده مستثنا نیست و همانطوری که در جدول مشاهده می‌شود، هرچه بر سن کودک افزوده می‌شود، وی از تحول اجتماعی بالاتری برخوردار می‌گردد و مفاهیم عینی در اثر کسب تجارب به مفاهیم ذهنی انتزاعی تبدیل می‌شود، نسبت به مسائل پیرامون خود، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد و این حساسیت به صورت نمایش گرافیکی

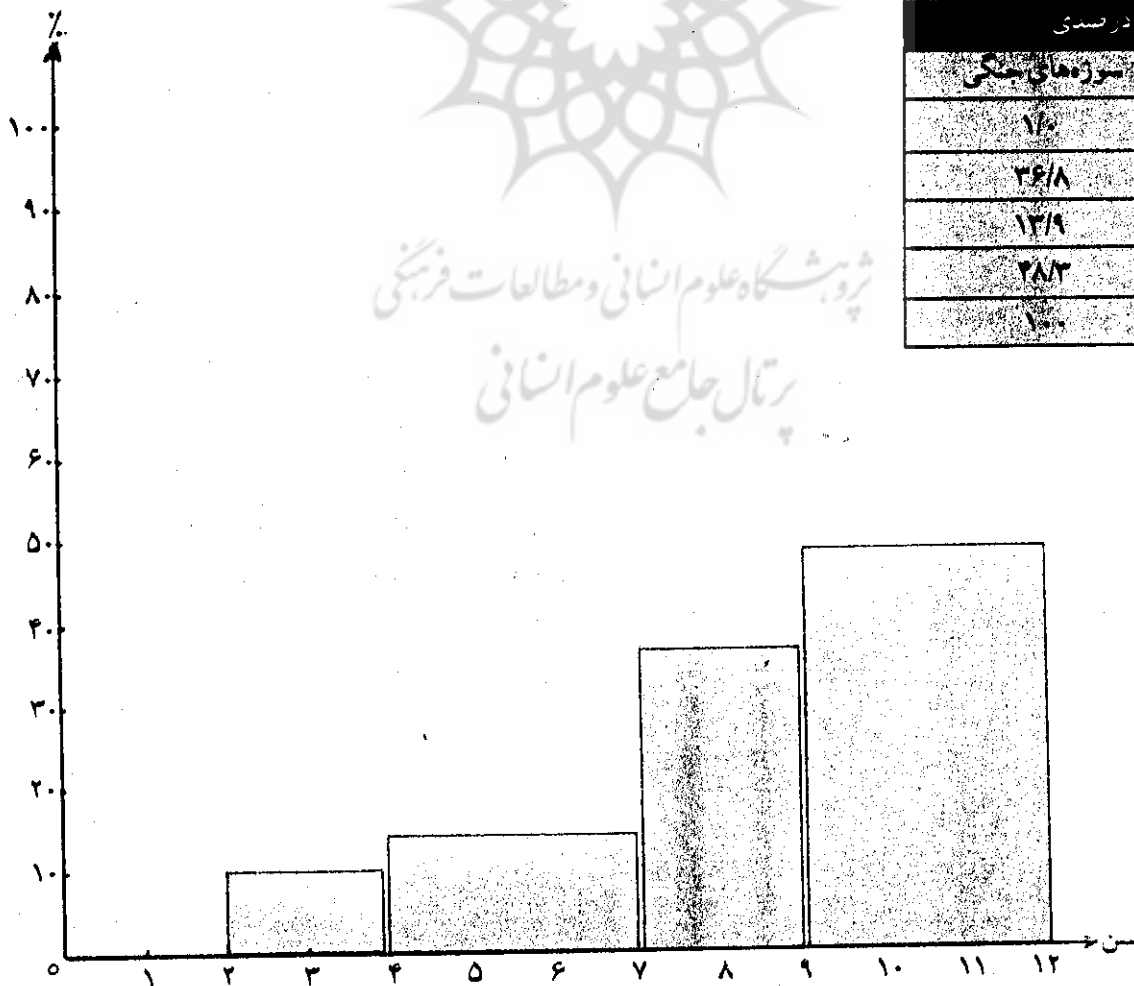
(ترسیم نقاشی) سوزه‌های جنگی مستجلی می‌شود. بنابراین می‌توانیم بگوئیم که بین افزایش سن و انتخاب بیشتر سوزه‌های جنگی رابطه است.

فرضیه ۲: «پسر بچه‌ها بیش از دختر بچه‌ها تمایل به ترسیم صحنه‌های جنگی دارند». با توجه به تفاوت‌های فردی و جنسی و نیز با توجه به این نکته که در اکثر جوامع بشری زنان و مردان نقش‌های متفاوتی را بر عهده دارند. در مورد مسئله جنگ نیز، این تفاوتها صادق است و مسئولیت حراست از جامعه و یا کشور در زمانی که از طرف عوامل خارجی به خطر می‌افتد و بایستی از آن در مقابل هر گونه تهاجم و تجاوز دفاع کرد. این مسئولیت و نقش، قبل از آنکه متوجه زنان باشد، مستقیماً مردان را

مورد توجه قرار می‌دهد. از طرفی تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روانی بین این دو جنس، تفاوت‌هایی به لحاظ انجام فعالیتها ایجاد می‌کند. این تفاوتها به طور ناخود آگاه بر روی نگرشها و گرایشات کودکان اثر می‌گذارد و پسران بیش از دختران مستعد رو برو شدن با این بحران هستند و این امر را از طریق ترسیم زیاد سوزه‌های جنگی نشان می‌دهند.

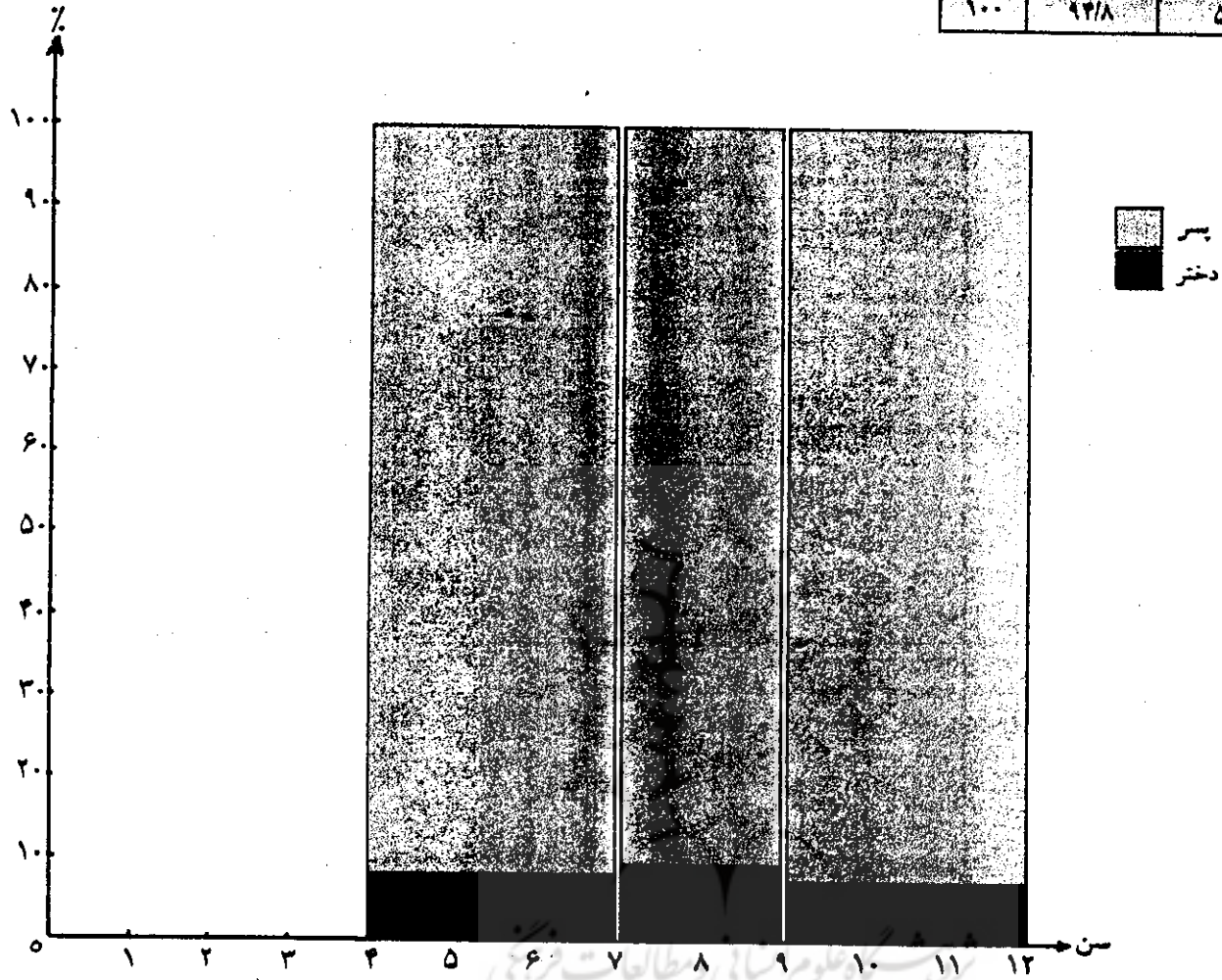
با توجه به جدول رو برو، از کل سوزه‌های جنگ، ۹۳٪ آنها توسط پسر بچه‌ها کشیده شده‌اند و از طرفی، در هر گروه سنی این تفاوت به چشم می‌خورد و با افزایش سن این فاصله نیز بیشتر می‌شود. در نتیجه می‌توان اینطور استنباط کرد که پسر بچه‌ها بیش از دختر بچه‌ها به مسئله جنگ توجه دارند.

توزیع درصدی	
سن	سوزه‌های جنگی
(۲ تا ۴)	۱۰
(۴ تا ۶)	۲۶/۸
(۶ تا ۷)	۱۳/۹
(۷ تا ۹)	۳۸/۳
جمع	۱۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جمع	جنس		میانگین
	پسر	دختر	
۱۰۰	۹۲/۹	۷/۱	۷۵/۴
۱۰۰	۹۳/۴	۶/۶	۹۰/۵
۱۰۰	۹۳/۸	۶/۲	۹۰/۵



تصویر انقلاب در نقاشی کودکان

واقعیت امر این است که هر عامل خارجی بر روی رفتار و پندار کودکان تأثیر بسزایی دارد اما این تأثیر بستگی به عوامل متعددی از قبیل ساخت فرهنگی و اجتماعی دارد و انقلاب به عنوان یک واقعیت اجتماعی بر روی رفتار و افکار کودکان مؤثر است. کودکانی که نقاشی آنها مورد بررسی قرار گرفته است در زمان انقلاب یا به دنیا نیامده بودند و یا خیلی کوچک بودند و چیزی از وقوع آن را به خاطر نمی‌آورند، ولی آثار بعدی آنرا در جامعه مشاهده کرده‌اند. یکی از این نشانه‌ها، حجاب

زنان است.

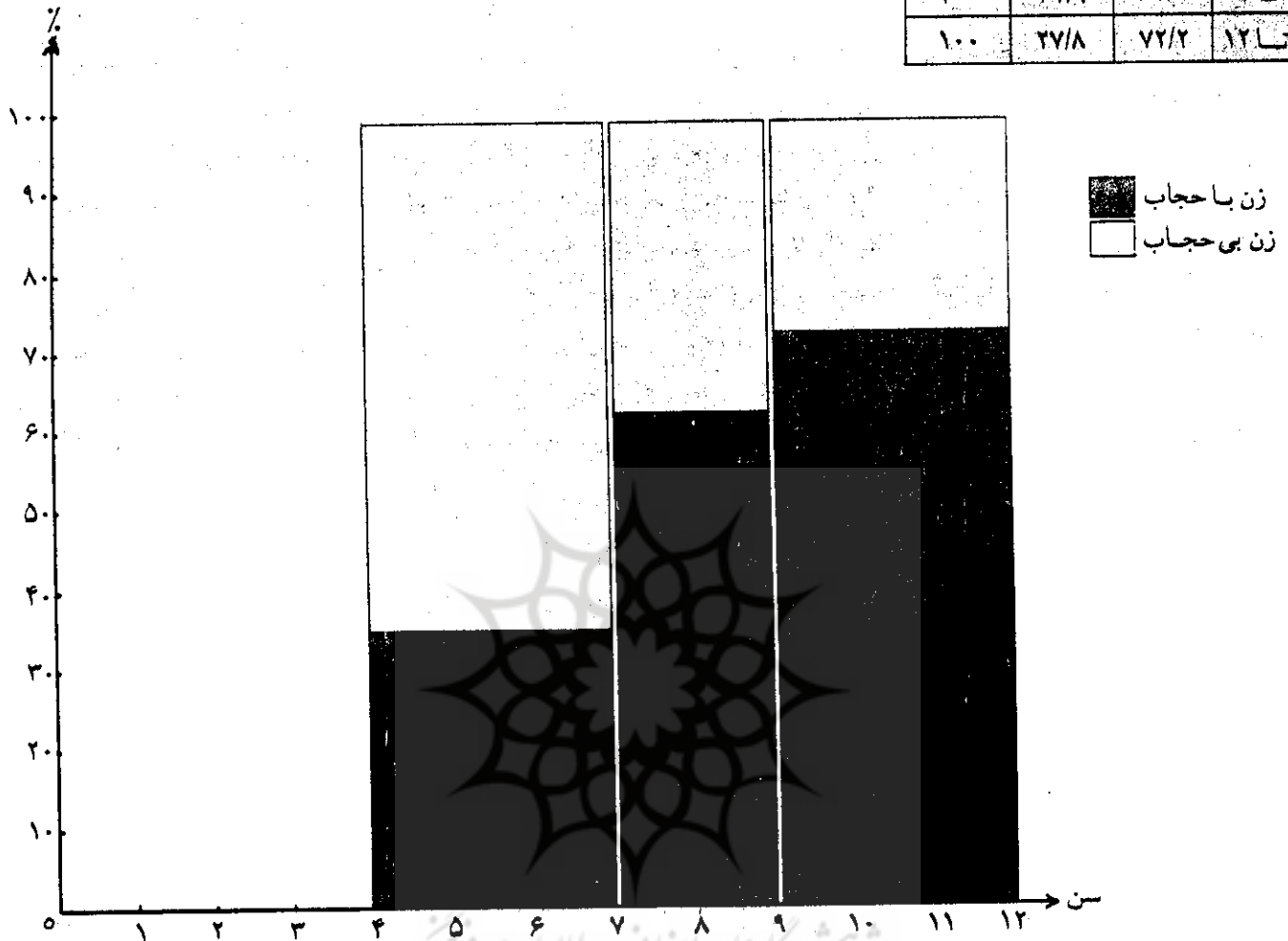
پوشش پدیدهای است که دارای خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی است و در کل می‌توان گفت که در هر جامعه‌ای نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه بر آن که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی و اقلیمی آن جامعه می‌باشد، تابع جهان بینی و ارزشهای حاکم بر فرهنگ آن جامعه و نیز مبین جهان بینی آن است.

فرضیه ۳: «حجاب به عنوان یک امر بارز در جامعه بعد از انقلاب ایران، در نقاشی

کودکان متجلی شده است. از آنجایی که کودک در سنین پایین بیشتر اوقات خود را در خانه می‌گذراند و عموماً در خانه افراد بدون پوشش مرسوم و معمول بیرون از خانه بسر می‌برند و کودک ارتباط کمتری با محیط خارج از خانه دارد، در اکثر نقاشی‌های خود، زنان را بدون پوشش و حجاب لازم می‌کشد ولی به تدریج با ایجاد ارتباط بیشتر با جامعه بیرون در نقاشیهای خود (در این مورد) تغییراتی ایجاد می‌کند.

زمانی که کودک به همراه مادر خود به بیرون از خانه می‌رود، مادر را با لباس پوشیده

توزیع درصدی			
جمع	حجاب		سن
	زن بی حجاب	زن با حجاب	
۱۰۰	۶۵/۲	۳۴/۸	۷ تا ۴
۱۰۰	۳۷/۹	۶۲/۱	۵ تا ۷
۱۰۰	۲۷/۸	۷۲/۲	۸ تا ۱۱



خود در آموختن بی می‌برند که این خود در جهت یادگیری بیشتر و سازگاری بهتر با محیط زندگی مسئله مهمی است.

اگر چه تحول کودک و بازیهای و بطور کلی نیاز به بازی یک واقعیت جهانی است ولی هویت فرهنگی هر ملت را از خلال بازیها و اسباب بازیهای آن می‌توان شناخت. نوع بازی کودک رابطه‌ای مستقیم با محیط اجتماعی او دارد.

کودکان بر حسب جوامع گوناگونی که در آن زندگی می‌کنند، اعم از روستایی، شهری، صنعتی، رو به توسعه یا زندگی آزادانه در کشتزارها و یا محبوس بودن در محیط شلوغ و

فرهنگی، اقتصادی دانست، بلکه باید آن را به منزله ضرورتی در یافت فرهنگی اجتماعی شناخت.

کودک به وسیله بازی در می‌یابد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار سازد و مشکلات مربوط به روابط اجتماعی را حل کند و در کل بازی به کودک فرصت می‌دهد تا خود را کنترل کرده و به تدریج رشد و تکامل یابد. در ضمن کودکان از طریق بازی به اکتشاف و تجربه محیط دست می‌زنند و از این طریق علاوه بر شناسایی، تفاوت میان واقعیتها و تخیل را احساس می‌کنند. آنها از طریق بازیها علاوه بر تمرین و کسب تجربه، به ارزش و تواناییهای

و محبوس می‌بینند و یاد در خیابان و دیگر مکانها مانند: مهد کودک، کودکستان، مدرسه، مربیان و معلمین را با لباس پوشیده می‌بینند. در نتیجه به تدریج فرا می‌گیرد که خانمها باید در بیرون از منزل با حجاب باشند و این مطلب را در نقاشی‌های خود نشان می‌دهد.

تصویر بازی در نقاشی کودکان

بازی پدیده‌ای است که در تمدن و فرهنگ جوامع گوناگون، در همه دوران توجه کودکان را به خود جلب کرده است. بازی را نمی‌توان به عنوان عامل جدا از پیرندهای اجتماعی،

بر جمعیت که دارای سازمان و ترکیبات بسیاری است، به انواع بازیهای متفاوت می‌پردازند.

ارتباط بین نقاشی و بازی کودکان:

درست است که از نظر بزرگسالان نقاشی یک نوع بازی و سرگرمی برای کودکان محسوب می‌شود ولی از نظر خود آنها، نقاشی علاوه بر یک وسیله سرگرمی، ابزاری برای بیان احساسات و تمایلاتشان است. در نقاشی، کودکان سعی می‌کنند آثاری از خود به جا بگذارند نظیر ترسیم خانه، انسان، ماشین و

نظایر اینها. ولی در بازی هدف انجام یک فعالیت و یک جنبش بدون برجای گذاشتن اثری است.

شاید بتوان گفت که کودک در بازیهای خود، اغلب اعمالی را انجام می‌دهد که توانایی انجام آن را در حالت عادی و در واقعیت ندارد ولی در نقاشی اغلب سوزه اعمالی را ترسیم می‌کند که در عالم بازی نیز قادر به انجام آن نیست.

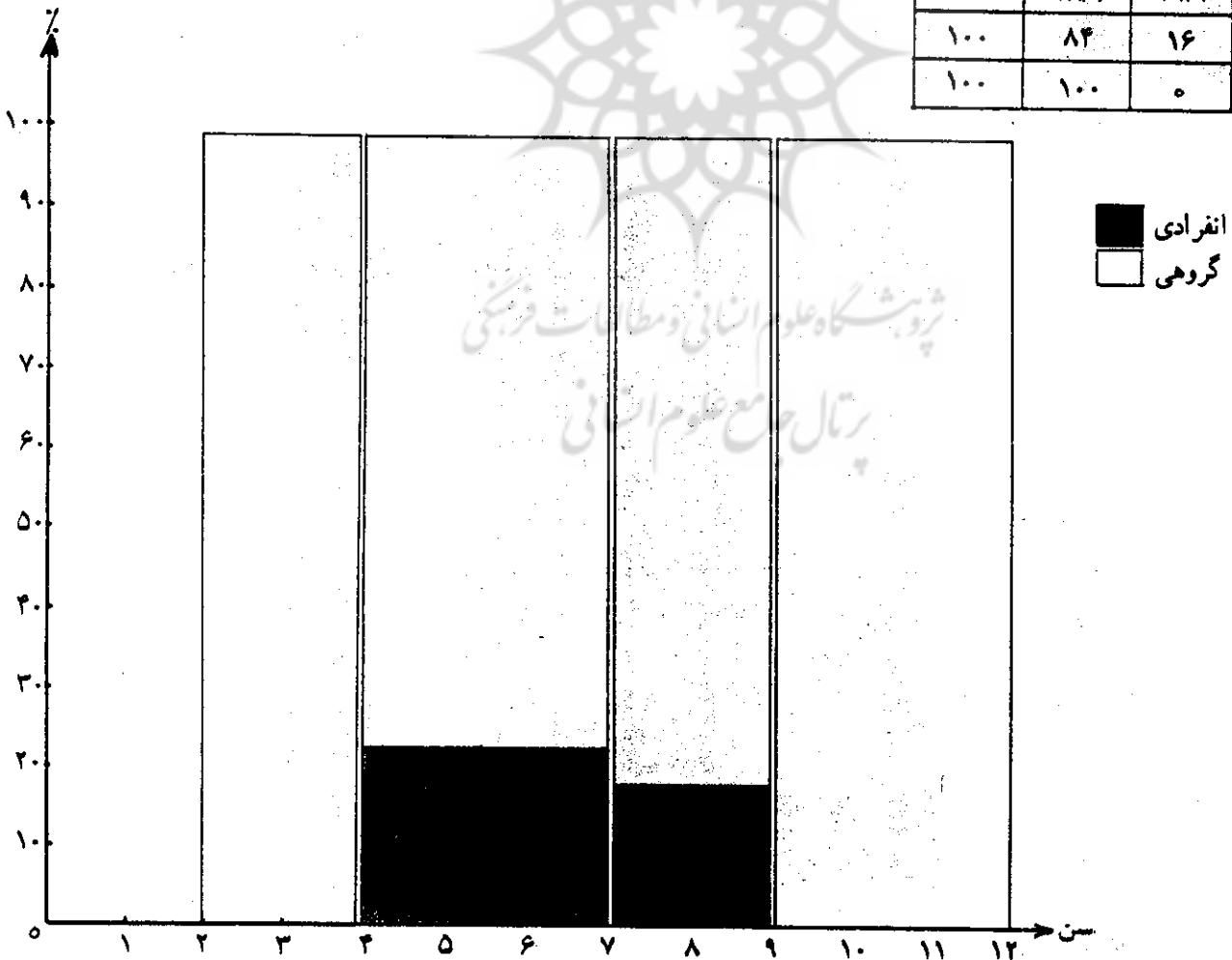
فرضیه ۴: «با رشد اجتماعی کودک، وی سعی می‌کند تا از طریق شرکت در بازیها و

فعالتهای دیگر کودکان، خود را با زندگی گروهی سازگار سازد. بدین جهت با افزایش سن، میزان فراوانی ترسیم سوزه بازیهای گروهی بیش از بازیهای انفرادی در نقاشیهایشان مشاهده می‌شود.»

رشد اجتماعی: رشد اجتماعی کودکان مبین آن است که آنها تا چه حدودی روابط و رفتارهای اجتماعی را درک و عمل می‌کنند، یعنی ضمن این که با دیگران زندگی می‌کنند، سعی می‌کنند با آنان کار و فعالیت نمایند.

بازی در هر سنی ویژگی خاص خود را دارد و با رشد کودک و گذشتن از مرحله‌ای

جمع	بازی		سن
	گروهی	انفرادی	
۱۰۰	۰	۱۰۰	۲ تا ۲
۱۰۰	۷۸/۹	۲۱/۱	۷ تا ۴
۱۰۰	۸۴	۱۶	۹ تا ۷
۱۰۰	۱۰۰	۰	۱۲ تا ۹



بمرحله دیگر (با در نظر گرفتن زمان و تفاوت‌های فردی) بازی‌ها متفاوت می‌شوند اما مسلم این است که کودک در سنین قبل از دبستان، خود مرکز گرا است و اغلب با خود و به تنهایی بازی می‌کند و با افزایش سن و به خصوص از سنین ۷ تا ۱۲ سال و با وارد شدن به محیط دبستان، به تدریج با گروه و بازیهای گروهی آشنا شده و بازیهای سازماندهی بیشتری پیدا می‌کند و گاه بازیهای دسته‌بندی شده جای بازیهای گروهی را می‌گیرد (این امر بیشتر در مورد پسر بچه‌ها صادق است) و این مطلب در اغلب نقاشی‌های کودکان که پیرامون بازی ترسیم کرده‌اند نمایان است.

البته تأثیر مهدکودکها و آمادگیها در رشد

توزیع درصدی

جمع	جنس	
	پسر	دختر
۱۰۰	۷۷/۴	۲۲/۶
۱۰۰	۵۲/۴	۴۷/۶
۱۰۰	۶۶/۷	۳۳/۳

دختر
پسر

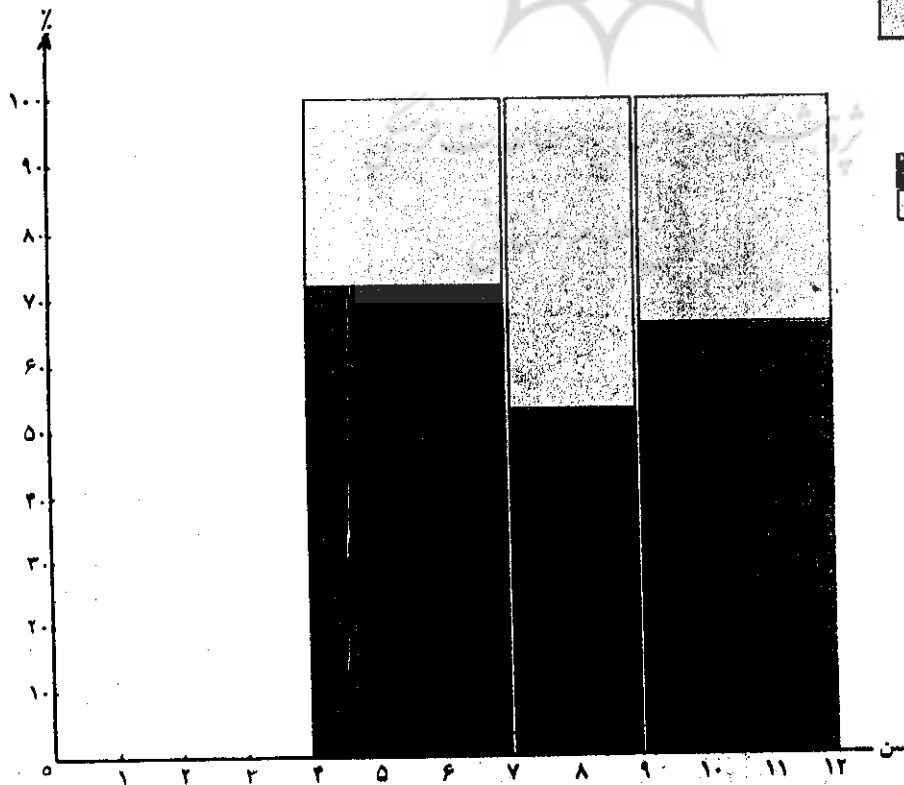
اجتماعی کودکان نباید نادیده گرفته شود. زیرا کودکانی که به این مراکز آموزش می‌روند بیش از کودکانی که در خانه (به خصوص خانه‌های کم‌فرزند) بسر می‌برند به ترسیم سوزه‌هایی در مورد بازیهای گروهی پرداخته‌اند. بنابراین، با توجه به جدول و نمودار می‌توانیم بگوییم که با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی کودک در جامعه، (همسالان)، کودک سعی می‌کند خود را بیشتر با روحیات دیگران سازگار سازد و در بازیهای گروهی بیشتر شرکت کند.

فرضیه ۵: از آنجایی که دختر بچه‌ها زودتر از پسر بچه‌ها اجتماعی می‌شوند در نتیجه به بازی گروهی نیز علاقه بیشتری دارند و این موضوع را در نقاشیهای خود نمایان می‌سازند. یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن، زبان و زبان‌آموزی است که به تدریج از شش ماهگی

به‌طور متوسط شروع می‌شود و می‌توان گفت این قدرت تکلم و بیان در نزد اکثر دختر بچه‌ها زودتر از پسر بچه‌ها آغاز می‌شود و نیز لکت زبان در نزد پسر بچه‌ها بیش از دختر بچه‌ها به چشم می‌خورد و بر همین اساس است که دختر بچه‌ها زودتر از پسر بچه‌ها (و به عبارتی راحت‌تر از پسر بچه‌ها) با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و زودتر نیز جذب بازیهای گروهی می‌شوند. این مطلب را می‌توان از طریق نقاشی‌های دختر بچه‌ها در مورد بازیهای گروهی نسبت به پسر بچه‌ها در همین زمینه اثبات کرد.

تصویر امنیت در نقاشی کودکان

کودکان تا سنین ۴ سالگی، حالت خود پیروی دارند و رفتار آنان از هیچ ضابطه‌ای پیروی نمی‌کنند. فقط بر اساس میل و خواسته‌های خود رفتار می‌کنند ولی بعد از



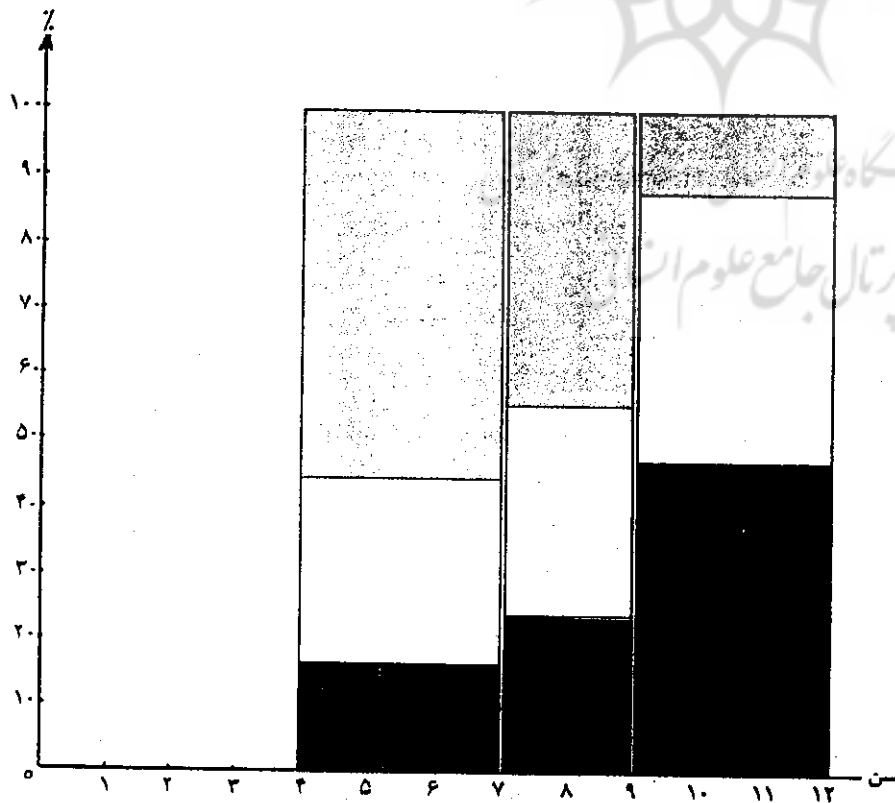
فرضیه ۶: کودکان از چهار سالگی به تدریج مفهوم امنیت و نظم را می‌فهمند و آن را در نقاشی‌های خود به صورت خط کشی عابر پیاده، چراغ راهنما، عبور از خیابان، پلیس راهنما، ایستگاه اتوبوس و نظایر اینها منعکس می‌کنند.

کودکان تا زمانی که قادر به درک مفاهیم ذهنی نباشند نمی‌توانند عکس‌العملی در مقابل آن از خود نشان بدهند و در نتیجه نمی‌توانند چیزی در این مورد ترسیم کنند و با افزایش سن و درک این مفاهیم و ایجاد ارتباط بین ذهنیات خود و محیط، بهتر می‌توانند در این

عابر پیاده، چراغ راهنما، پلیس راهنما هر کدام عاملی برای سالم رسانیدن وی به مقصدش هستند و به تدریج این سلامت مفهوم امنیت را به خود می‌گیرد.

در ضمن کودک هنگامی که با والدین خود سوار اتوبوس می‌شود، یاد می‌گیرد که باید در صف و پشت سر کسانی که از او زودتر آمده‌اند بایستد و به نوبت سوار اتوبوس شوند. تکرار این پدیده در ذهن کودک، مفهوم احترام به حقوق دیگران، رعایت حق تقدم را بوجود می‌آورد.

سن	اتوبوس و ایستگاه آن	خط کشی عابر پیاده چراغ راهنما و پلیس عبور از خیابان	ماشین و خیابان یا جاده
(۴ تا ۷)	۱۱/۳	۲۰	۴۶
(۷ تا ۹)	۲۸/۶	۳۳/۳	۳۰/۴
(۹ تا ۱۲)	۵۷/۱	۲۶/۷	۱۶/۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



چهار سالگی، به تدریج متوجه ارزشهای خارج از وجود خود، در محیط می‌شوند. یعنی ذهنشان بر اساس گفته‌ها و امر و نهی‌های والدین و مربیان به برخی از ارزشها و قواعد معطوف می‌شود و با افزایش سن مانند دیگران فکر می‌کنند (این حالت را دیگر پیروی گویند).

خیابان یکی از مکانهای جاذب و هیجان‌زای برای کودکان است. زیرا در آن علاوه بر مغازه‌ها و فروشگاهها و دیگر مکانهای دیدنی، مسئله ماشین و عبور از خیابان برای کودکان مهم و گاه وحشتناک است.

کودک اگر به همراه بزرگسالان به خیابان بیاید، دیگر توجهی به ماشین‌ها و خیابان ندارد. ولی زمانی که به تنهایی یا به خیابان می‌گذارد، به خصوص در سنین پایین و قبل از دبستان، وحشت و هراس فراوانی از آن دارد و گاه نیز بی‌پروا و بدون توجه به خطرات آن، به سرعت و یکباره از خیابان می‌گذرد و در این باره اداره راهنمایی و رانندگی طی آماری، اعلام کرده است که بیشترین تصادفات بین اتومبیل و عابر پیاده متعلق به این کودکان است.

کودکان نحوه عبور از خیابان را به وسیله گفته‌های والدین، اطرافیان، مربیان و معلمین و تلویزیون فرا می‌گیرند. برای مثال در خانه، والدین به کودک می‌گویند که هنگام عبور از خیابان سعی کند از خط کشی عابر پیاده رد شود تا امنیت داشته باشد. در مدرسه به او گفته می‌شود حتماً زمانی که چراغ عابر پیاده سبز است از خیابان بگذرد، تا راحت‌تر و آسوده‌تر به آن سوی خیابان برسد و یا زمانی که دچار مشکلی شد حتماً از پلیس راهنمایی کمک بخواهد و نظایر اینها.

کودک این مطالب را در ذهن خود طبقه‌بندی کرده و نتیجه می‌گیرد که خط کشی

- اتوبوس و ایستگاه آن
- خط کشی عابر پیاده چراغ راهنما و پلیس عبور از خیابان
- ماشین و خیابان یا جاده

باره نقاشی کنند.

با توجه به جدول زیر می‌توان استنباط کرد که در مورد نظم‌پذیری و امنیت به تدریج با افزایش سن، کودک این مفاهیم را بهتر درک و بهتر منتقل می‌کند. ولی در مورد فراوانی خیابان و ماشین، با افزایش سن از فراوانی آن کاسته می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت به دلیل کم شدن ترسی که کودک از ماشین و خیابان دارد، آن را کمتر ترسیم می‌کند.

تصویر تفاوت‌های جنسی در نقاشی کودکان افراد هر جامعه‌ای به لحاظ جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی با افراد دیگر جوامع اختلاف دارند و نیز در اکثر جوامع بشری، زنان و مردان نقش‌های متفاوتی را برعهده دارند، درضمن کودکان، بزرگسالان را

در اکثر موارد الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند و مطابق الگوی جاافتاده در فرهنگ جامعه خود عمل می‌کنند (حتی در بازیهای کودکانه این مسئله به وضوح به چشم می‌خورد).

اختلاف معمولاً از بدو تشکیل نطفه به تدریج شروع می‌شود و با رشد جسمانی و نیز بعد از تولد، این تفاوت‌های جسمانی آشکارتر می‌شود و بر اساس نوع تربیت و فرهنگ حاکم بر هر جامعه تفاوت‌های روانی نیز ظاهر می‌شود. رفتار کودکان به تدریج تحت تأثیر سرشت طبیعی و محیط‌های زندگی سازمان یافته و شکل می‌گیرد و در هر خانواده نسبت به خانواده دیگر متفاوت است. پس می‌توان این تفاوت‌ها را در خانواده جستجو کرد. ضمناً به غیر از اختلاف جسمانی، اکثر اختلافات اکتسابی هستند.

فرضیه ۷: در تصاویر نقاشی شده توسط دختر بچه‌ها، بیشتر تصاویر انسانها، بازیها و کمتر خشونت به چشم می‌خورد.

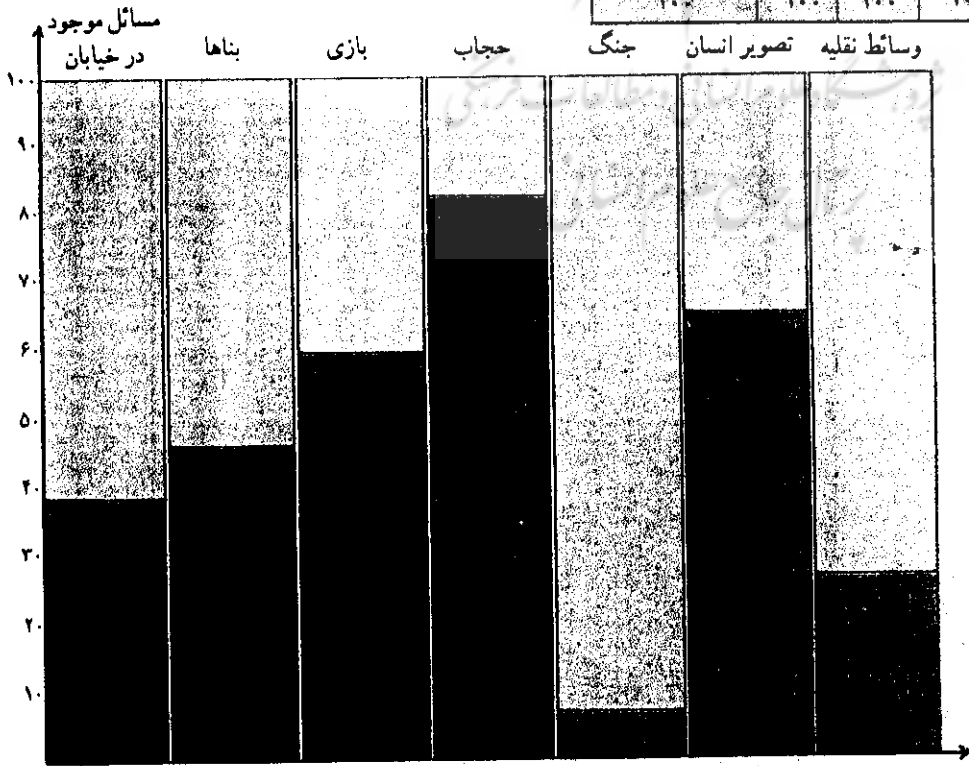
در تصاویر نقاشی شده توسط پسر بچه‌ها، بیشتر خشونت و قدرت به چشم می‌خورد.

از بررسی نقاشیهای بدست آمده، و اختلاف فراوان سوزدهای نقاشی‌های ترسیم شده توسط دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها، می‌توان به این مطلب پی برد که نگرش دو انسان به پیرامون خود، کاملاً شبیه به یکدیگر نیست.

در اکثر جوامع و همچنین جامعه ما، انجام کارهای سنگین و خشن به عهده مردان است و آنان پر قدرت‌تر و نیرومندتر از زنان در انجام کارها هستند و کودکان که بزرگسالان را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند، همان حالات و رفتار را درونی کرده و مستقیماً روی کاغذ منتقل می‌کنند. برای مثال از هر ده کودک

توزیع درصدی

جنس	وسائط نقلیه (۱)	تصویر انسان (۲)	جنگ (۳)	حجاب (۴)	بازی (۵)	بناها (۶)	مسائل موجود در خیابان (۷)
دختر	۲۴/۱	۶۳/۲	۸	۸۱/۹	۵۸/۱	۴۲/۷	۳۷/۲
پسر	۷۵/۹	۳۶/۸	۹۲	۱۸/۱	۴۱/۹	۵۷/۳	۶۲/۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰



که نقاشی‌هایی در مورد وسایط نقلیه ترسیم کرده‌اند (نظیر هواپیما، کامیون، ماشین سواری، قطار و...) هفت نقاشی متعلق به سر بچه‌ها و سه عدد متعلق به دختر بچه‌ها بوده است. در مقابل از هر ده کودکی که به نحوی تصویر انسان را ترسیم کرده‌اند، شش دختر و چهار سر بچه بوده‌اند و یا از هر ده کودکی که درباره جنگ نقاشی کرده‌اند، نه سر بچه و یک دختر بچه بوده است. در مورد سوژه حجاب از هر ده کودک که به نحوی زن محجبه را ترسیم کرده‌اند، هشت دختر بچه و دو سر بچه بوده‌اند. این تفاوت‌ها معمولاً بر اساس همان نحوه تربیت‌ها و فرهنگ حاکم بر خانواده در هر جامعه می‌باشد که بر روی نوع تفکر و تخیل کودکان اثر می‌گذارد و حتی در تصاویر خیالی کودکان مشاهده می‌شود که اکثراً سر بچه‌ها هستند که نقاشی‌های عجیب و ابتکاری و تخیلی ترسیم می‌کنند. دختر بچه‌ها بیشتر در نقاشی‌های خود حالت مجموعه را در موضوع ترسیمی رعایت می‌کنند و نظم بیشتری در نقاشی‌های آنها به چشم می‌خورد.^۷

بطور کلی از این بررسی‌ها به برخی نکات پی می‌بریم که عبارتند از:

۱ - معمولاً کودکان در سنین پائین در نقاشی‌های خود، آسمان را درست بالای سر موضوع نقاشی خود می‌کشند و آدمها را به صورت ایستاده و راست ترسیم می‌کنند، بقیه قسمت‌ها و جریانات مربوط به موضوع نقاشی را نیز در گوشه و کنار کاغذ جای می‌دهند، اما هر چه بزرگتر می‌شوند بهتر می‌توانند ارتباط منطقی میان پدیده‌ها و موضوعات را بفهمند و به همین دلیل نقاشی‌هایشان نیز به واقعیت نزدیکتر می‌شود.

۲ - در میان سوژه‌های ترسیم شده آنچه مهم جلوه می‌کند، قدرت تخیل و ابداعات و خلاقیتها و استعداد در داستان پردازی آنهاست. آنها برای موضوعاتی که در نظر ما بی ارتباط جلوه می‌کند، یک داستان می‌سازند.

۳ - برخی کودکان، موضوعات روزمره و عادی اطرافشان را ترسیم می‌کنند، بعضی دیگر رویاها و آرزوهای عالی و تازه خود را، دیگری کارهای ساختمانی، کلاس درس، کارگاه، کار در مزرعه، کمک به بزرگترها و... را رسم می‌کند.

۴ - رنگها به شرایط مختلف زندگی و محیط زیست کودکان بستگی دارد. کودکانی که در شمال ایران زندگی می‌کنند در نقاشی‌های خود اکثراً رنگهایی بکار می‌برند که با رنگ نقاشی کودکان جنوب ایران متفاوت است. حتی شرایط زندگی و فشارهای روانی و ناراحتی‌ها و خوشیها در انتخاب رنگ و سوژه مؤثر است.

۵ - کودکان هر روزه در برخورد با مسایل مختلف، از محیط خانه گرفته تا کوچه و خیابان، مدرسه، بازار و سایر محیطها، برداشتهایی گوناگون و فراخور سن خود از آنها دارند که متأثر از فرهنگ جامعه ایشان است.

در کل نقاشی برای کودکان فقط وقت گذراندن نیست، بلکه آنها با این کار، احساسات و خواسته‌های خود را مجسم می‌کنند، چیزی تازه بوجود می‌آورند و از این کار لذت می‌برند و در عین حال مطالب تازه‌ای نیز یاد می‌گیرند.

در پایان، با آگاهی از این مطلب که نقاشی یکی از خالصانه‌ترین صور بیان حالات درونی، خواسته‌ها، آرزوها و مشکلات کودکان است و با تحلیل نقاشی‌های کودکان می‌توان دنیای آنها را بهتر شناخت و آینده‌ای بهتر و پر بارتری برایشان ساخت، دانستن این مطلب مهم است که قبل از تعلیم دادن کودکان در زمینه نقاشی، بایستی بزرگسالان را تعلیم داد تا از خصوصیات و حالات جسمانی و روانی کودکانشان آگاه شوند و در این رابطه مسئولین و دست اندرکاران از طریق برنامه‌ریزیهای صحیح و ارائه برنامه‌های صحیح و نشستهایی

با متخصصین امر، از طریق رادیو و تلویزیون و یا جراید و نیز ایجاد کلاس‌هایی در مراکز دولتی، می‌توانند والدین را در این امر مهم یاری کنند. زیرا والدین مطلع و آگاه به روحیات کودکان خود، بهتر می‌توانند محیطی مناسب برای رشد و پرورش آنها ایجاد کنند.

از طرفی، والدین بایستی با عدم تحمیل عقاید خود بر فرزندان، آنها را در ترسیم سوژه‌های مورد علاقه خود آزاد گذاشته و با ایجاد انگیزه و تهیه ابزار مورد نیاز، کودکان را به ترسیم هر چه بیشتر و بهتر موضوعات مختلف و متنوع، تشویق کنند. با این روش کودکان نسبت به محیط اطراف و رویدادهای پیرامون خود کنجکاوتر و آگاهیشان نسبت به دنیای برون و عالم واقعیت بیشتر می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - دکتر هادی بهرامی، روانشناسی کودک، انتشارات دانشگاه اَبوریحان بیرونی، مهرماه ۱۳۵۸ ص ۲۰۶ - ۲۰۴

2 - Unesco Institute For Education childrens Art 11 concentries. 1960

۳ - کتابخانه حسینیہ ارشاد نگرش بر هنر کودک، آموزش نقاشی از دیدگاه روانشناسی، دکتر فاطمه قاسم‌زاده، مهرماه ۱۳۶۷ ص ۱۷۰

۴ - موریس دویس - هانری پیزون، تفاوت‌های فردی - روانشناسی اختلافی، ترجمه دکتر محمدحسین سروری انتشارات سخن پائیز ۱۳۶۶ ص. ص ۲۲۳، ۱۹۸

۵ - آنا اولیور ریوفراری، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافیان، انتشارات نگاه تابستان ۱۳۶۷ ص. ص ۷۴ - ۷۲

۶ - آموزش هنر، گردآورنده و مؤلف مینو واتفی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی سال ۶۵ - ۶۴

۷ - در این فرضیه خشونت به معنای حالات و تفکرات غیر ظریف و کارهای خشن نظیر جنگیدن، ساختمان‌سازی و... در نظر گرفته شده و قدرت به معنای سرعت و زورمندی و مظاهر آن هواپیما، وسایط نقلیه سنگین نظیر کامیون، قطار و... آمده است.